

هو

۱۲۱

اندیشه‌های عرفانی و سیر احوالات  
امام‌الثقلین شیخ صفی‌الدین اردبیلی

مehوش‌السادات علوی

مهمه: دکت سیدسلمان صفوی



آکادمی مطالعات ایرانی لندن (LAIS)

انتشارات سلمان آزاده

|                     |                                                                                                                                                              |
|---------------------|--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| سرشناسه             | : علوی، مهوش السادات، ۱۳۳۷ -                                                                                                                                 |
| عنوان قراردادی      | : صفوة الصفی، فارسی، شرح                                                                                                                                     |
| عنوان و نام پدیدآور | : اندیشه‌های عرفانی و سیر احوالات امام‌الثقلین شیخ صفی‌الدین اردبیلی / مهوش السادات علوی؛ با مقدمه سیدسلیمان صفوی؛ [برای] آکادمی مطالعات ایرانی لندن (LAIS). |
| مشخصات نشر          | : قم: انتشارات سلمان آزاده، ۱۳۹۶.                                                                                                                            |
| مشخصات ظاهری        | : ۳۷۹ ص.: ۱۲/۵×۲۱/۵ س.م.                                                                                                                                     |
| شابک                | : 978-600-5357-33-2                                                                                                                                          |
| وضعیت فهرست نویسی   | : فیها                                                                                                                                                       |
| یادداشت             | : کتاب حاضر شرح کتاب «صفوة الصفا» تألیف توکل بن اسماعیل ابن بزاز است.                                                                                        |
| یادداشت             | : نمایه.                                                                                                                                                     |
| موضوع               | : صفی‌الدین اردبیلی، اسحاق بن جبرئیل، ۶۵۰ - ۷۳۵ ق.                                                                                                           |
| موضوع               | : ابن بزاز، توکل بن اسماعیل، قرن ۸ ق. صفوة الصفی - نقد و تفسیر                                                                                               |
| موضوع               | : عارفان - ایران                                                                                                                                             |
| موضوع               | : Mystics -- Iran                                                                                                                                            |
| موضوع               | : تصوف                                                                                                                                                       |
| موضوع               | : Sufism                                                                                                                                                     |
| شناسه افزوده        | : سی، سلمان، ۱۳۳۸ -، مقدمه نویسنده                                                                                                                           |
| شناسه افزوده        | : ابن بزاز، توکل بن اسماعیل، قرن ۸ ق. صفوة الصفی، شرح                                                                                                        |
| شناسه افزوده        | : آکادمی مطالعات ایرانی لندن                                                                                                                                 |
| رده بندی کنگره      | : ۱۳۹۶، ۲۳ الف ص/ ۴ بPT۷۹                                                                                                                                    |
| رده بندی دیویی      | : ۱۳۳۱، ۷                                                                                                                                                    |
| شماره کتابشناسی ملی | : ۴۴۱۹۳۶                                                                                                                                                     |

## اندیشه‌های عرفانی و سیر احوالات امام‌الثقلین شیخ صفی‌الدین اردبیلی

□ چاپ اول: ۲۰۱۶ / ۱۳۹۶

□ مهوش السادات علوی

□ شمارگان: ۵۰۰ نسخه

□ مقدمه: دکتر سیدسلیمان صفوی

□ شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۳۵۷-۳۳-۲

□ ناشر: انتشارات سلمان آزاده

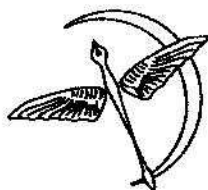
□ مرکز پخش: ۰۲۱-۸۸۳۹۲۵۱۶

□ طرح: محمدسعید نقاشیان

□ [www.salamana.com](http://www.salamana.com)

□ صفحه آرای: سیدمحمدعلی علوی، بهناز جهان‌بخش

□ ۳۰۰۰۰ ریال



انتشارات سلمان آزاده

## فهرست مطالب

|     |                                                                                          |
|-----|------------------------------------------------------------------------------------------|
| ۱   | مقدمه: دکتر سید سلیمان صفوی                                                              |
| ۱   | پیش در آمد                                                                               |
| ۹   | بخش اول: اندیشه های عرفانی شیخ صفی الدین اردبیلی                                         |
| ۱۱  | فصل اول: ارکان عالمیم طریقت صفویه                                                        |
| ۲۷  | فصل دوم: سخنان عرفانی شیخ قدس الله سره                                                   |
| ۵۵  | فصل سوم: ذکر تفاسیر شیخ قدس الله سره بر آیات کلام الله حکیم                              |
| ۸۱  | فصل چهارم: ذکر تفاسیر شیخ قدس الله سره بر احادیث نبوی (ص)<br>و سخنان بزرگان عرفان و تصوف |
| ۱۰۳ | فصل پنجم: ذکر تفاسیر شیخ قدس الله سره بر کلمات و عبارات مشایخ                            |
| ۱۲۹ | فصل ششم: ذکر تفاسیر شیخ قدس الله سره بر آیات عظمی                                        |
| ۱۵۹ | فصل هفتم: ذکر کلمات عرفانی شیخ قدس الله سره در قالب حکایات                               |
| ۱۷۱ | فصل هشتم: ذکر کلمات منثور شیخ قدس الله سره                                               |
| ۱۷۵ | فصل نهم: اشعاری از شیخ قدس الله سره و شرح ابیات                                          |
| ۱۸۳ | بخش دوم: سیر احوالات شیخ صفی الدین اردبیلی                                               |
| ۱۸۷ | فصل اول: احوال زمان حمل، ولادت و دوران کودکی شیخ قدس الله سره                            |
| ۱۹۱ | فصل دوم: ذکر احوال توفیق و طلب شیخ قدس الله سره                                          |
| ۱۹۹ | فصل سوم: ذکر وصال شیخ قدس الله سره به مرشد الاقطاب و العارفین شیخ زاهد گیلانی            |
| ۲۰۵ | فصل چهارم: احوال شیخ قدس الله سره در زمان شیخ زاهد گیلانی                                |

|     |                                                        |
|-----|--------------------------------------------------------|
| ۲۱۷ | فصل پنجم: ذکر برخی از ویژگی‌های شخصیت شیخ قدس‌الله‌سره |
| ۲۳۳ | فصل ششم: ذکر ایام واپسین حیات شیخ قدس‌الله‌سره         |
| ۲۳۹ | فصل هفتم: ذکر رحلت شیخ قدس‌الله‌سره به حیات باقی       |
| ۲۴۵ | فصل هشتم: ذکر عظمت معنوی شیخ قدس‌الله‌سره              |
| ۲۵۱ | منابع                                                  |
| ۲۵۷ | فهرست آیات                                             |
| ۲۷۱ | نمایه                                                  |
| ۲۸۱ | تصاویر                                                 |

www.ketab.ir

## مقدمه

# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حضرت سلطان العارفين شیخ صفی الدین اردبیلی، عارف بزرگ و تمدن ساز جهان اسلام در سال ۶۵۰ ه. ق. / ۷۱۳ ه. ش. پای به عرصه «رحانه» نسب شیخ قدس الله سره با نوزده واسطه به حضرت امام موسی کاظم (علیه السلام) امام هفتم شیعیان اثن عشری می رسد. در مکاتبات رشیدی از شیخ قدس الله سره با القابی نظیر «کاشف اسرار قرآن»، «شارحه نوع انسان»، «قطب فلک ولایت»، «مهر سپهر هدایت»، «شجره ثمره مروت»، «ثمره شجره ولایت» در کتاب «ریحانة الادب» با القابی همچون «برهان الاصفیاء»، «قطب الاقطاب» و «شیخ العارفين» در کتب متعددی شاره شده است. کرامات بسیاری به شیخ صفی الدین منسوب است که بین خاص و عام مشهور است و در کتب متعدد مندرج است. از جمله این کتب می توان به «صفوة الصفاء» اثر ابن بزاز اردبیلی و «اعیان الشیعة» تألیف سید محسن امین اشاره کرد. شیخ صفی الدین اردبیلی، شاه نعمت الله ولی و امام خمینی سه عارف بزرگ تاریخ ساز بودند که نقش مهمی در ساختن فرهنگ و تمدن اسلامی ایران امروز ایفا کردند.

در «صفوة الصفاء» شیخ صفی الدین عارفی متشرع و معتدل، رهبری بزرگ منش، مهربان، اجتماعی و صاحب نفوذ بین اقشار و طبقات مختلف جامعه اعم از فقیر و غنی، سلطان و رعیت، شهری و روستایی و عالم و عوام معرفی شده است. شیخ صفی الدین مریدان خود را به پیروی از شریعت،

ب □ اندیشه‌های عرفانی و سیر احوالات امام‌الثقلین شیخ صفی‌الدین اردبیلی

طریقت، اخلاص، رعایت اخلاق خوش، نیکوکاری، مردم‌داری و تعاون اجتماعی فرا می‌خواند. شهرت و محبوبیت عظیم و بی‌نظیر شیخ که در دوره جانشینان او نیز ادامه و توسعه یافت؛ منجر به برپایی دولت مقتدر صفوی و استقلال ایران بر اساس سه اصل تشیع، تصوف و ملیت گردید.

از شیخ صفی‌الدین کتاب مستقلی بر جای نمانده، اما مطالعه باب چهارم کتاب «صفوة الصفاء» که به تفاسیر عرفانی شیخ قدس‌الله‌سره از آیات قرآنی، احادیث نبوی، کلمات و الفاظ مشایخ صوفیه و ابیات عارفانه اختصاص دارد، نشان می‌دهد که او علاوه بر زعامت، مرشدیت و سیاست‌مداری، مردی صاحب کمالات عالیّه، مفسر قرآن‌حکیم، مفسر روایات نبوی و علوی، فقیهی عالم و شاعر بوده است. شیخ در تفسیر قرآن‌حکیم به اشعار حضرت مولانا، سنایی، عطار و عراقی استشهد کرده است. از ویژگی‌ها، این کتاب تحقیقی، ارائه تفاسیر شیخ قدس‌الله‌سره از اشعار عرفانی بزرگانی نظیر حضرت مولانا جلال‌الدین محمد مولوی، عطار نیشابوری، سنایی غزنوی، روضبهان بقلی، عراقی و ... است.

شیخ قدس‌الله‌سره در تفسیر غزل ۱۷۲۶ کلیات‌المرس بریزی؛ مولانا جلال‌الدین محمد مولوی:

بیار باده که دیری است در خمار توام اگرچه دلق کشانم نه یار غار توام

می‌فرماید: «چون آن روز می‌آلشت برینگم» (اعراف: ۱۸۱) - آورده‌ایم، اگرچه به دلق این قالب وجود درآمده‌ایم، لیکن هنوز خمار آن شرابیم. مراد از دلق، قالب است که اکنون تمنای می‌جان می‌کند و همان شراب را می‌خواهد. آن شرب از خاشاک حاکم بدن صافی است.»

در تفسیر یک بیت از شیخ فریدالدین عطار نیشابوری:

از بشری رسته بود باز برای بشر تا به کمال آورد خانه نقصان گرفت

می‌فرماید: سالک زمانی از عالم بشری رهایی می‌یابد که جذبات الهی او را مجذوب گردانند. یعنی چندان که در عالم بشریت و عقل است و از جذبات الهی محجوب است در نقصان است و به عالم بشریت و عقل مقید است. چون مجذوب شود و در جذبات الهی از عالم بشری رهایی یابد، پروای

صلاح عالم بشری از او سلب می گردد و با کسب معرفت، از اسرار نیز آگاه می شود و به معرفت الله نائل می گردد. لیک اگر در آن عالم بماند و او را به عالم بشری باز نفرستند، ارشاد و تربیت از او به ظهور نمی رسد. لذا برای ارشاد و تکمیل و تربیت بشر او را به عالم بشری که خانه نقصان است باز پس می فرستند تا به تربیت و ارشاد و تکمیل مریدان و سالکان بپردازد.

در تفسیر یثی از دیوان اوحدی مراغه ای (قصاید):

مردم نشسته فارغ و من در بلای دل دل دردمند شد، ز که جویم دوی دل

می فرماید: اهل ظاهر در غفلت هستند و آن سیر است. اهل تجلی، اهل دل و در عالم مکاشفه، مشاهده و عیان هستند. اهل عالم سیر، فارغ و از معامله اهل تجلی غافل اند. اسرار الهی بر اهل دل مکاشفه، مشاهده و عیان ظاهر می گردد، چنان که اگر ذره ای از آن بر کوه ظاهر شود، محو و متلاشی می گردد: ﴿ثُمَّ خَابَ مُمْتَصِرُهُ مِنْ حُشْيَةِ اللَّهِ﴾ (حشر: ۲۱) «دل دردمند شد، ز که جویم دوی دل». اشاره به این معناست که صاحب ظاهر از این حال غافل اند و خلاق از درمان آنچه از حق به دل می رسد عاجزند، مگر آن که دوی دل نیز از حضرت حق باشد.

ویژگی دیگر «صفوة الصفا» ذکر نکاتی در تفسیر برخی از آیات قرآنی است. شیخ در تفسیر آیات قرآنی از روش تفسیر قرآن به قرآن، اجتهاد تألیفی، مستندات روایی استفاده کرده و از وحی، عقل، نقل، دل، و هنر برای تفسیر آیات کریمه قرآن حکیم بهره برده است. برای مثال خدمت شیخ عرض کردند: آیه: ﴿أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ (یونس: ۶۲) و حدیث «المُخْلِصُونَ عَلَى خَطَرٍ عَظِيمٍ» در عدم خوف و حزن و اثبات خطر عظیم، با یکدیگر تناقض دارند.

شیخ قدس الله سره فرمود: «المُخْلِصُونَ عَلَى خَطَرٍ عَظِيمٍ» در مورد افرادی است که علایق نفسانی خود را قطع کرده اند و از آنها نجات یافته اند، اما هم چنان از مکر نفس در خطرند، یا عمرشان وفا نمی کند به انتهای کار و مقصد برسند. برای مثال کسی که قصد حج می کند و علایقی از قبیل مال، خانواده و فرزندان مانع او می شود؛ اگر با آنها مشغول شود و سخنان را بپذیرد، از مقصد بازمی ماند، اما اگر این موانع را پشت سر بگذارد و روی به مقصد آورد و قدم در راه نهد، از قید این علایق نجات می یابد.

لیکن تا رسیدن به کعبه از جانب راهزنان، کمبود آذوقه، بیماری و یا مرگ در خطر است، اما با وصال به کعبه، از این بیم و خطرات ایمن می‌شود. این حال، مخصوص افراد مبتدی و احوال ظاهری است. در احوال معنوی، چون صوفی از قید نفس و صفات و علایق نفسانی رهایی باید و با قطع علایق نفسانی و شیطانی، قدم در صراط‌مستقیم نهاند: «وَ أَنْ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ» (انعام: ۱۵۳)، از جانب سایر راههای شیطانی در معرض خطر قرار می‌گیرد که: «وَلَا تَتَّبِعُوا السَّبِيلَ فَتَفْشَرُوا بِكُمُ عَنْ سَبِيلِهِ» (انعام: ۱۵۳).

سالک تا زمانی که در راه است در بیم و خطر است. اما با رسیدن چون به مقصد وصال و قدم نهادن در حرم وصال «وَ أَنْ إِلَيَّ يَكُنْ الْآخِرَةُ» (نجم: ۴۲) و گام نهادن در حرم کعبه دل، ایمن می‌شود: «وَ مَنْ دَخَلَ كَانَ آمِنًا» (آ عمران: ۹۰) و از بیم و خطر راههای شیطانی نجات می‌یابد: «أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (نور: ۶۲) البته بیم و خطری که از دل سالک بیرون می‌رود، خاص دنیا و مافیها و آخرت است؛ اما خوف و خشیت حق تعالی بر او غالب می‌گردد. هر اندازه ترس از عظمت حق تعالی بیشتر بر دلش غالب شود، معفتش افزون‌تر گردد؛ ترس او نیز افزایش می‌یابد که: «وَأَيُّ لَا عِلْمَهُمْ بِاللَّهِ وَ أَشَدُّهُمْ لَهْ خَشْيَةً» زیرا اگر ترسی از عظمت حق تعالی نداشته باشد، زیان کار می‌شود: «وَقَالُوا يَا مَنْ يُكَلِّمُ اللَّهُ إِلَّا الْقَوْمَ الْخَاسِرُونَ» (اعراف: ۹۹).

شیخ در تفسیر احادیث، مطالب نغز و دقیقی در باب مراتب سیر و سلوک فرموده و گاه از یک حدیث شش کلمه‌ای، چندین قاعده سلوکی استنتاج کرده است. برای مثال سؤال کردند: «امیرالمؤمنین علی (ع) می‌فرمایند: «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ». آیا می‌توانیم از این سخن استنباط کنیم که چون نفس خود را بشناسیم به تحقیق خدای تعالی را شناخته‌ایم؟» شیخ در پاسخ سره فرمود: معنای «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ» این است که سالک به نفس خود عارف شود و پس از بینایی نسبت به عیوب نفس خود به اصلاح آن مشغول شود. طهارت از عیوب، تزکیه است. هر که از نفس خود تزکیه شود با دوری از نفس، رستگار شده، از عذاب حق تعالی ایمن می‌گردد و متوجه حق تعالی می‌شود. پس از کسب معرفت نفس، خود را می‌شناسد و با بیرون رفتن از خودی خود، چشمش به حضرت حق بینا می‌شود. معرفت حق تعالی پس از معرفت نفس حاصل می‌گردد. صنع دلیل وجود صانع است، پس قصد؛ تقرب است، نه تحقیق. شیخ از این حدیث علوی، مجتهدانه چند قاعده عرفانی از قبیل:

یقطه، طلب و اردات، تزکیه، تخلیه، تحلیه، تجلیه، معرفت، یقین (علم الیقین، عین الیقین و حق الیقین) و قرب را استنتاج کرده است.

از طریق مقایسه تفسیر شیخ قدس الله سره با تفسیر شارح «غرر الحکم و درر الکلم» بر این حدیث، عظمت و برتری علمی و معرفتی شیخ آشکار می شود. شارح «غرر الحکم و درر الکلم» تألیف جمال الدین محقق خوانساری در تفسیر حدیث شریف مذکور گوید: «مراد این است که هر کس نفس خود را بشناسد، پروردگار خود را می شناسد. به اعتبار این که از شناخت خود می توان به وجود پروردگار و علم و قدرت او پی برد. (چنان که در کتب کلامیه استدلال کرده اند.) یا وجود پروردگار در مرتبه ای از ظهور است که وقتی کسی خود را بشناسد، وجود خود را نیز می شناسد. و الله تعالی یتدبر».

پاسخ برخی از سؤالات عرفانی که بیانگر مشرب اعتدالی شیخ قدس الله سره است از دیگر ویژگی های «صفوة الصفا» است. برای مثال شیخ می فرماید: «ما را کشف و کرامات و قدم و همت است. کشف آن است که سالک به درون خود بینا گردد. کرامات آن است که از درون خود قطع علایق نماید و دل خود را مجرد گرداند. آن است که سفری بیرون از خود کند تا به مقصد برسد. همت آن است که سر به دو کون و مادون حق رود نیاورد».

شیخ قدس الله سره درباره ذکر خفی و ذکر جلی که مورد بحث است طریقت مختلف صوفیه است نیز کلام جامعی دارد: «در مراحل اولیه سلوک که بیماری نفسانی شدید و راستگی جسمانی قوی است، ذکر جلی خوب است. وقتی سالک به دل نزدیک تر شود با ذکر خفی تربیت می شود». غیاث الدین محمد وزیر از شیخ درباره ذکر «لا اله الا الله» به روش (چهار ضربی) سؤال کرد. شیخ قدس الله سره فرمود: «ذکر طیه «لا اله الا الله» کلمه اخلاص است و با اخلاص باید گفته شود».

از نظر شیخ، تصوف حقیقی به ظهور حالات و رفتار نیکو شناخته می شود، نه به رفتار ظاهر الصلاح حتی با خانقاه نشینی. شیخ با کلام آسمانی خویش عشق را ورای محاسبات علوم حصولی می خواند:

عشق را مشورت نیست:

عشق چون سوی دلی راه آورد / ناخشن بر وی ز نگاه آورد  
چو گریبانی به دست عشق اوست / جان نگیرد دامنش در راه دوست

عاشق را بند نیست:

عاشقی کور است، گردن در کمند / بندِ جان او را کجا آرد به بند؟  
عاشقان را بند کردن چون توان؟ / بشکند ورنیز باشد بندِ جان

حسن اخلاق، سخاوت، گنجش، جوانمردی از ارکان عرفان اجتماعی شیخ است. شیخ قدس‌الله سره موفق شد با انعکاس عرفان از کتب زاویه‌ها بر سپهر جامعه و ادغام ذکر و فکر، عمل فردی و اجتماعی را در هم آمیزد و «بیارا» رصفه زندگی اجتماعی بروز عینی دهد.

سلسله اجازه (سلسله‌الاولیاء) طریقت صوفیه باین قرار است: سیدالمرسلین و رحمة للعالمین اشرف-النبیین محمد مصطفی (صلوات‌الله‌علیه‌وآله)، و سرُّ الاسرار و مشرق‌الانوار، حقیقة الاسماء الاعظم و المظهر الاتم باب‌الله و مجمع علوم الانبیاء و مرجع کلاسل الاولیاء، مظهر العجائب و مظهر الغرائب و النجم الثاقب؛ مولانا علی بن ایتطالب (علیه‌السلام) و الجورة العسویه و سیده النساء و صندوق مصاحف الاولیاء؛ فاطمة‌الزهراء (سلام‌الله‌علیها)، و النور الالامع، النحن الجامع، الجمال الایین و مجلی سرّ حضرت ذی‌المن و القوس، الطالع من الایمن؛ ابامحمد امام حسن مجتبی (علیه‌السلام) و ظهور العشق الاعلی و مقصد العرفاء و اب الاولیاء و خامس اصحاب الکساء و یزید الشهدا، سرُّ الله - الاتم و ثارالله الاعظم المقدس؛ امام اباعبدالله‌الحسین (علیه‌السلام) و زین‌العابدین و سید الواهدین و کاشف اسرار العرفان و انسان العین و عین الانسان؛ امام علی بن‌الحسین (علیه‌السلام)، و حافظ معارج الیقین و وارث علوم المرسلین و البناء العظیم و الصراط‌المستقیم و کاشف حقایق البواطن و الظواهر و مجمع علوم الاولئل و الاواخر؛ امام محمد‌الباقر (علیه‌السلام) و البحر الموج و السراج الوهاج، مجدد الاسلام و ناشر دین، خیر الانام، القرآن‌الناطق؛ امام جعفر بن محمد‌الصادق (علیه‌السلام) و کلیم‌ایمن الامامة و شجرة طور الکرامة، صاحب الرقّ المنشور و البیت المعمور و البحر المسجور بامر‌الدین

قائم؛ امام موسی بن جعفر الکاظم (علیه السلام) و ناشر السنة و الدین و مرجع اهل الیقین، الانسان - اللاهوتی و الروح الناسوتی، کھف النفوس القدسیة، غوث الاقطاب الانسیة؛ امام علی بن موسی - الرضا (علیه السلام) و باب الله المفتوح و ظل الله الممدود، سرّ اسرار الوجود، سید الاولیاء و سند الاصفیاء، غایة الظهور و الایجاد؛ امام التقی محمد بن علی الجواد (علیه السلام) و مفتاح خزائن الوجود و حافظ مکامن الغیوب، الناصح الزکی و الهادی المتقی؛ امام التقی علی بن محمد (علیه السلام) و البحر الزاخر و النور الزاهر، عنقاء قاف القدم و الصاعد مرعاة الهمم، المؤتمن العسکری؛ امام حسن بن - علی (علیه السلام) و کمال النشأة و نشأة الکمال و جمال الجمع و مجمع الجمال، سرّ السرار الالوهیة و کنه حقیق الربوبیة، الاسم الاعظم و ناموس الله الاقدم، طور تجلی الالوهیة، بقیة الله فی الارض الغائب فی الاتار الظاهرة و المادی الی الطرق الغیبیة و القائم المهدی المؤتمن؛ حجة بن الحسن (عجل الله - تعالی فرجه شریف).

بدین ترتیب اول السلسله در باب المریقه کتز المعارف و قلیل المعارف؛ شیخ المشایخ شیخ معروف - کرخی از طریق سُرّی سسّی، سید (لائحه جنید بغدادی، ... ابونجیب سهروردی ... تا شیخ زاهد گیلانی و شیخ صفی الدین اصفهانی است. اساس کتب تاریخ تصوف نظیر «تذکرة الاولیاء» عطار نیشابوری و «طرائق الحقایق» محمد باقر نایب الصدر، شیخ معروف کرخی از شاگردان امام رضا (ع) بوده است. سلطان حسین تابنده گنابادی در کتاب «نابغه علم و عرفان» گوید: «شیخ جنید بغدادی از جانب امام حسن عسکری (ع) در دعوت مجاز بود در زمان امام زمان (عج) آن منصب را داشت».

ملاعلی گنابادی در کتاب «صالحیه» گوید: «جنید پس از امام حسن عسکری (ع) و غیبت نیز حیات داشت، لذا قطب ظاهر گشت. وکلای اربعه خلافت نداشتند؛ بلکه سفارت بود و دستگیری نمی - کردند. از منظر ملاعلی گنابادی؛ جنید بغدادی نخستین قطب بود؛ «جنید خلافت سُرّی داشت، لکن معروف و سُرّی در حیات ائمه اطهار (علیهم السلام) و ظهور آنها بودند و جنید پس از رحلت امام حسن عسکری (ع) و غیبت نیز حیات داشت، لذا قطب ظاهر گشت. وکلای اربعه خلافت نداشتند، بلکه سفارت بود و دستگیری نمی نمودند. اگرچه اول این سلسله، حضرت معروف است؛ لکن اول اقطاب، جنید بود که اوصاف او در روایات الجنات مذکور است».

سلسله نسب سیادت شیخ قدس‌الله سره بر اساس متن کهن «صفوة‌الصفاء» تألیف ابن بزاز اردبیلی در ۸۹۶ ه. ق. قبل از تأسیس حکومت صفویه بدین قرار است: السلطان سید شیخ صفی‌الدین ابوالفتح اسحاق بن سید شیخ بابا جبرئیل ابن سیدقطب‌الدین ابن سیدصالح ابن سید محمدالحافظ ابن سیدعواض ابن سیدفیروزشاه زرین کلاه ابن سیدمحمد ابن شرف‌شاه ابن سیدمحمد ابن سیدحسن ابن سیدمحمد ابن ابراهیم ابن سیدجعفر ابن سیدمحمد ابن سیداسماعیل ابن سیدمحمد ابن سیداحمد اعرابی ابن سیدقاسم ابن سیدابوالقاسم حمزة ابن موسی‌الکاظم ابن جعفرالصادق ابن محمدالباقر ابن امام زین‌العابدین ابن حسین ابن علی ابن ابیطالب (علیهم‌السلام). (صفوة‌الصفاء، ابن بزاز اردبیلی، مقدمه و تصحیح غلامرضا طباطبایی مجد، چاپ دوم، انتشارات زریاب، تهران، ۱۳۷۶، ص ۲۶).

منبع اصلی این تحقیق کتاب «ریف «صفوة‌الصفاء» تألیف ابن بزاز اردبیلی، کهن‌ترین کتاب در باب شخصیت، اندیشه‌ها، اقوال، اجرائات کرامات حضرت شیخ صفی‌الدین اردبیلی (۷۳۵ ه. ق) است. تألیف «صفوة‌الصفاء» ربع قرن پس از درگذشت شیخ به اتمام رسید. (۷۵۹ ه. ق). «صفوة‌الصفاء» در شمار کتب تذکره عرفا از قبیل «اسرارالتوحید»، «ماقب‌بارقین» و «رساله سه‌سالاره» است.

«صفوة‌الصفاء» در سال‌های اخیر با مقدمه، تحقیق و تصحیح استادانه غلامرضا طباطبایی مجد، توسط انتشارات زریاب، تهران، در سال ۱۳۷۳ انتشار یافته است. ترجمه متن ترکی به فارسی نیز توسط داود بهلولی تحت عنوان «تذکره شیخ صفی‌الدین اردبیلی»، توسط دانشگاه ادیان، قم، در سال ۱۳۸۸ منتشر شده است.

مehوش‌السادات علوی محقق این اثر، عرفان‌پژوه معاصر که دو کتاب به فارسی و انگلیسی در باره حضرت مولانا و مثنوی معنوی در تهران و لندن منتشر کرده، موفق شده «طریق‌الکدب»های عرفانی و سیر احوالات شیخ صفی‌الدین اردبیلی را از «نسخه خطی صفوة‌الصفاء» (نسخه دیوان هند، به شماره ۱۰۹۸، تحریر سال ۷۵۹ ه. ق) فیلم شماره ۲۵۶۳ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران که مشحون از مطالب غامض و حکایات بسیار است، استخراج و آن را در ۲ بخش و ۱۷ فصل با نثری روان به نسل امروز معرفی کند.

این کتاب گامی مثبت و سازنده برای معرفی طریقت شیخ صفی الدین اردبیلی برای تشنگان عرفان ناب مکتب الهی ثقلین است که در آن فتوت اجتماعی، بندگی و عشق به خدای یگانه سرلوحه سالک الی الله تعالی است.

حق تعالی ولی الله الاعظم، محمد مصطفی (صلوات الله علیه وآله) خاتم الانبیاء، امیر المؤمنین علی (علیه السلام) سرسلسله ولایت علوی هستند و حضرت حجة بن الحسن العسکری (عجل الله تعالی فرجه - الشریف) ذریه معصوم رسول الله و مولی الموحدين علی و الجوهرة القدسیة و صندوق مصاحف الاولاد فاطمة الزهراء (علیهم السلام)، ولی عصر حقی و حاضر امروز جهانیان است.

الاحقر الفقراء - سید سلمان صفوی

رمضان ۱۳۹۴ - لندن

پیش در آمد<sup>۱</sup>

## بسم الله الرحمن الرحيم

سلطان سریر رسالت رسول الله (ص) فرمودند: «اللَّهُ تَعَالَى يَبْعَثُ فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ عَلَى رَأْسِ كُلِّ مِائَةٍ مَن تَجَلَّدَ كَها دَينِها»<sup>۲</sup> بر اساس اخبار صریح بروی (ص) صد سال هفتم، نوبت سلطنت تربیت و ارشاد صفی الدین اردبیلی قدس الله سره بود. حضرت مولانا جلال الدین محمد مولوی نیز با مطالعه علوم غیبی، رساله ای در ذکر فضایل شیخ صفی الدین اردبیلی فرمود و به خط خود نگاشت: «مَن زبَان سِرِّ آن ولیّ محبوبم که پس از این در عالم ظهور، بیریق برمی آید و در عرصه وجود قدم می نهد. من ندای مژده مَقْدَم او را در این عالم می دهم. ولیّ محبوبی که محبوب سالکان طریق الله است ظهور خواهد کرد تا جهان به نور تربیت او منور گردد. از جمله نشانه های او این است که از آذربایجان است. چون به کمال برسد دعوت به حق را آشکار می سازد و خلائق را بر ذکر طیه «لا اله الا الله»

۱. مطالب مربوط به سیر احوالات و اندیشه های عرفانی شیخ صفی الدین اردبیلی و اجداد و فرزندان شیخ قدس الله سره برگرفته از: نسخه خطی صفوة الصفا (نسخه دیوان هند، به شماره ۱۰۹۸، تحریر سال ۷۵۹ ه. ق.) فیلم شماره ۲۵۶۳ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.

۲. حدیث نبوی در سنن ابی داود: حق تعالی در پایان هر صد سال، یکی از بندگان برگزیده خود را به عنوان مُجَلَّد دین خود برمی گیرند تا دین حق را تجدید کند.

تشویق می‌کند. کسوت و هیأت این طایفه، خاص درویشان است و آثار و لَیَاسُ التَّقْوَى ذَلِکَ خَیْرٌ (اعراف: ۲۶)<sup>۱</sup> در جامه‌های آنها هویدا است.»

سید جلال‌الدین خُتَنی مشهور به معشوق گفت: در واقعه دیدم پیامبر (ص) دعا فرمودند و جمع عظیم صحابه و اولیاء‌الله آمین گفتند. پس از زیارت حضرت نبوی (ص) عرض کردم: «یا رسول‌الله (ص) این دعا برای که بوده؟» با لفظ مبارک وحی‌سان فرمودند: «برای شیخ صفی‌الدین اردبیلی بود که دین مرا از نو جلا دهد». شیخ اخگر فرج زنجانی نیز در جمع خلفای خویش گفت: «صاحب‌دل بر حق کسی است که بگوید را در روز قیامت از همه خوف‌ها حفظ کند و در آن روز که جبرئیل ندا می‌دهد، قاضی رب اکبر او را زیر بیرق حضرت محمد (ص) محشور گرداند. در کنار دریای گیلان کسی به ظهور می‌رسد که به این صفات موصوف است. او پرورده‌ای دارد که او نیز به این صفات حمیده و پستیده مُتَّصِف است. پس او با نور تربیت و ارشاد پدیدار می‌گردد و در اطراف عالم دل مردم را با ارشاد و توبه و تلقین زور می‌داند.»

شیخ صفی‌الدین اردبیلی توبه و خرقه و تربیت از شیخ ابراهیم زاهد گیلانی و او از سید جمال‌الدین و او از شیخ شهاب‌الدین محمود تبریزی و امامان رکن‌الدین سجاسی و او از قطب‌الدین ابوبکر ابهری و او از ابونجیب سهروردی و او از عم خود قاضی و شیخ‌الدین عمر بکری و او از پدرش محمد بکری و او از احمد اسود دینوری و او از مشاهد دین و او از ابوالقاسم جنید بن محمد بغدادی و او از سری بن مغلس سقطی و او از ابو محفوظ معروف خرخی و او از امام علی ابن موسی -الرضا (ع) و آن حضرت از امام موسی کاظم (ع) و آن حضرت از امام محمد باقر (ع) و آن حضرت از امام محمد باقر (ع) و آن حضرت از امام زین‌العابدین (علیه‌السلام) و آن حضرت از امام اباعبدالله -الحسین (ع) و آن حضرت از امام حسن مجتبی (ع) و آن حضرت از جوهره‌القدسیه فاطمه زهرا (س) و متمم عروه شریعت و مظهر اعلام حقیقت و ناصب‌الاسلام حقیقت، صاحب تمکین سریر نصرت خدایی و مالک تاج سلطنت پیشوایی و رهنمایی؛ امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب (ع) و ایشان از حضرت نبوت و کمال رسالت، محرم حرم دُنا قَتَلْتُکَی، فَکَانَ قَابَ قَوْسَینِ آو آدنی (نجم: ۸-۹)<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> و جامه تقوی نیکوترین جامه است.

<sup>۲</sup> نزدیک آمد و بر او نازل گردید. با او به قدر دو کمان یا نزدیک‌تر از آن شد.

سمند نشین «سُبْحَانَ الْاَلَدَى اَسْرَى» (اسراء: ۱)<sup>۱</sup> خاتم النبیین محمد مصطفی (ص) و آن حضرت از امین وحی ربّانی و موصل کتاب آسمانی و مُبلّغ منشور سبحانی، جبرئیل امین (س) و ایشان از حضرت عزّت عزّ شأنه و جَلّ سلطانه دریافت کردند.

«در نسخه‌ای از صفوة الصفا در بیان شجره و خرقه و اسناد شیخ صفی‌الدین بین احمد دینوری و ابوالقاسم جنید بن محمد بغدادی، اسامی پنج نفر دیگر از مشایخ بدین ترتیب ذکر شده است: ... و شیخ احمد غزالی از شیخ ابوبکر النساج و او از ابوعلی فارمدی و او از ابوالقسم کرگانی و او از سعید بن مسلم ابوعثمان مغربی و او از ابو عمرو زجاجی ...»<sup>۲</sup>

در این اسناد سه نفر و چندین شعبه وجود دارد که به حسب خرقه و توبه و تربیت و بر حسب صحبت منشعب می‌شود. ابونجیب سهروردی خرقه و تربیت را از عمویش قاضی وجیه‌الدین عمر بکری و او بر حسب صحبت از امام محمد غزالی و او از ابوبکر نساج و او از ابوعلی فارمدی و او از ابوالقسم کرگانی و او از سعید بن مسلم ابوعثمان مغربی و او از ابو عمرو زجاجی و او از هادی جنید بغدادی و محمد بکری به حسب تربیت و صحبت از احمد اسود دینوری و بر حسب توبه و خرقه از اخوی فرج زنجانی و او از ابوالعباس زمام‌نشین و او از ابوعبدالله خفیف و او از ابومحمد رویم و او از ابوالقاسم جنید بغدادی و او بر سیاق مذکور تا حضرت رسالت محمد مصطفی (ص) کسب کرده است و هر یک از آنها اصحاب خویش را بر طریقه و روش و صراط مستقیم این دین استوار و پایدار ارشاد کرده‌اند. «اُولَئِكَ اَلْدِیْنَ هَدٰی اللّٰهُ فَبَهِدْ یَهُمْ اَفْئِدَةً» (انعام: ۹۰)<sup>۳</sup>

شیخ صفی‌الدین ابن امین‌الدین جبرئیل ابن صالح قطب‌الدین ابوبکر ابن صلاح‌الدین رشید ابن محمد حافظ لکلام الله ابن عواض ابن پیروز زرین کلاه ابن محمد شمس‌الدین ابن محمد ابن حسن ابن محمد ابن ابراهیم ابن جعفر ابن محمد اسماعیل ابن محمد ابن احمد اعرابی ابن ابومحمد ابوالقاسم

۱. پاک و متزه است خدایی که سیر داد.

۲. درویش توکل بن اسماعیل براز (ابن براز)، صفوة الصفا، مقدمه و تصحیح: غلامرضا طباطبایی مجد، انتشارات زریاب، چاپ دوم تهران، ۱۳۷۶، ص ۱۲۰۳.

۳. آنها کسانی بودند که خدا خود آنها را هدایت نمود، تو نیز از راه آنها پیروی نما.

حمزه ابن الامام الهمام موسی‌الکاظم ابن امام جعفر صادق ابن امام محمد الباقر ابن امام زین‌العابدین بن امام سیدالشهدا اباعبدالله الحسین ابن امیرالمؤمنین و امام‌المتقین علی بن ابی‌طالب و جوهره‌القدسیه فاطمه‌الزهره (صلوات‌الله‌علیهم اجمعین) در تاریخ ۶۵۰ ه. ق / ۶۳۱ ه. ش. پای به عرصه وجود نهاد.

امین‌الدین جبرئیل پدر شیخ قدس‌الله‌سره؛ مردی متدین، متشرع، پرهیزگار، صاحب‌قدم و صاحب‌ولایت بود. او مرید مولانا کمال‌الدین عرب‌شاه اردبیلی بود. امین‌الدین جبرئیل زراعت می‌کرد و مردی ثروتمند بسیار باسقاوت بود. او همواره خاموش بود و اکثر اوقات به عبادت می‌پرداخت. مادر شیخ بانوی ثرخند، عابده و زاهده بود که پیوسته روزه‌دار بود و شب‌ها تا صبح به عبادت می‌پرداخت. شیخ در حق مادر خود می‌فرمود: «اگر بانوان را شیخی روا بود، مادر من شایسته شیخی عالم بود».

شیخ در مکتب، پس از آراست شدن به ادب و آداب و آموختن فرض، سنن، قرآن حکیم و حفظ کامل از اشعار، نکات و لطایف و لغات عربی، مغولی و پارسی؛ در ترکیب عبارات و استعاره در کلام نیز مهارت کامل یافت. شیخ قدس‌الله‌سره از دوران کودکی با طهارت، با جدیت به عبادت می‌پرداخت، از این رو حق تعالی از منظر کشف حجاب، از برابر دیدگان او برداشت. شیخ در ایام جوانی دائماً عبادت می‌کرد. پیوسته روزه‌دار بود و شب تا صبح تهجد می‌پرداخت.

شیخ با متعالی شدن احوال خویش در پی یافتن مرشد به شیراز عظیمت نمود و اکثر اوقات خود را در مسجد مادر سلیمان، مقبره شیخ ابوعبدالله خفیف و مقبره ابوژرعه اردبیلی به عبادت به سر می‌برد. شیخ در گوشه عبادت، عمده تلاش خود را بر ریاضت نهاده بود و در شدت اجتهاد و دریافت به جایی رسیده بود که هر هفت روز یک بار روزه خود را افطار می‌کرد. شیخ در شیراز مولانا رضی‌الدین ماتعی مجدداً تفسیر قرآن حکیم را تلمذ نمود. مولانا با مشاهده استعداد شیخ به او اجازه تفسیر داد. شیخ با حدود هفتاد نفر از اولیاءالله و بزرگان طریقت آشنا شد، اما وقتی احوال و واقعه‌های خود را بر آنها عرضه می‌فرمود، اظهار می‌داشتند: «ما مرتبه حل این احوال و واقعه‌ها را نداریم. حق تعالی این مرتبه و منزلت را به ما نداده است».

سرانجام شیخ به محضر امیرعبدالله رفت که به خاطر مرتبه ریاضت، عبادت، زهد، تقوی و نَسَب خود در فارس مشهور بود و دارای مرتبه رفیع و نسبت ظاهره و عترت طاهره بود. شیخ او را مردی دید که روح مظهرش در رخسارش متجلی بود. امیرعبدالله فرمود: «از شرق تا غرب عالم، کسی جز شیخ زاهد گیلانی نمی‌تواند احوال و واقعه‌های تو را حل کند. درمان درد تو جز در شفاخانه او نیست. شیخ زاهد در گیلان اسپهبد است. خلوت او در کنار دریاست، چنان که زمان تلاطم امواج دریا، آب بر آستانه در خلوتش می‌ریزد. در خلوت او به جانب شرق گشوده می‌شود و چون آفتاب طلوع می‌کند، شعاع آفتاب در خلوت او می‌افتد. در همان ایام شیخ زاهد قدس‌الله‌روحه در گیلان در حجاب اخلاص خویش فرمود: «جوانی تمده‌پوش در اردبیل در طلب ما سرگردان است. اگر به اینجا بیاید، کارش در یک روز تمام می‌شود».

شیخ چهار سال پس از آن که از شیراز به اردبیل بازگشت، با آگاهی از مقام کعبه آمال خود با قدم عشق، بی‌قرار و بی‌خود از خوی به مقصد مقصود خویش رفت و به دست مرشد‌الاقطاب شیخ زاهد گیلانی توبه کرد و عین در گرفت. شیخ زاهد فرمود: «بین صفی‌الدین و حق تعالی یک حجاب بیش نبود که آن نیز برافکنده شد». شیخ صفی‌الدین وقتی به محضر مبارک شیخ زاهد مشرف شد بیست و پنج ساله بود و شیخ زاهد سی و پنج سال داشت. شیخ بیست و پنج سال در خدمت استاد بود و پس از رحلت شیخ زاهد، سی و پنج سال به ارشاد و تربیت خلائق پرداخت.

شیخ زاهد با مشاهده آثار عالم‌گیر شدن و جلوه‌های «شیخ قدس‌الله‌سره» فرمود: «صفی‌الدین؟ حق تعالی تو را به خلق نمود. من چوگان تمام منافقان را شکستم. گوی را مقابل تو انداختم. به هر طرف می‌خواهی گوی بزن. میدان از آن توست. برای من ممکن بود و گه‌شای بنشینم، اما برای تو ممکن نیست. به هر طرف که تو را دعوت کنند باید اجابت کنی و مردم را دعوت کنی و توبه و تلقین ذکر بدهی. این مرتبه تربیت و ارشاد را حق تعالی به تو عطا فرموده است. در توبه و تلقین ذکر تفاوتی بین من و تو نیست. این مرتبه و شیخی را خدا به تو داده است. این جامه شایسته بالای توست. باید مردم را به دین برتر و پایدار و صراط مستقیم دعوت کنی و در چهار گوشه شش جهت عالم صلاهی «آجیبوا داعی الله» (احقاف: ۳۱)<sup>۱</sup> سر دهی که حق تعالی تو را به خلق و خلق را به تو سپرده

۱. داعی حق (محمد مصطفی (ص)) را اجابت کنید.

است. باید به اقصی نقاط عالم سفر کنی و مردم را در حلقه تلقین ذکر درآوری. برای من سکون و گوشه‌نشینی ممکن بود، اما برای تو ممکن نیست. بلکه ثنّادی روز و شب دعوت عالم تو را به اطراف و اکناف عالم اسلام می‌رساند. من امانتی را که در ارشاد از استاد به دست آوردم به امانت به تو سپردم».

شیخ در نظر اولیاءالله به جمال و کمال الهی آراسته بود از این رو او را «پیر تُرک» می‌خواندند. سالکان نیز شیخ را «زَرّین محاسن» می‌خواندند. شیخ می‌فرمود: «وقتی دل اختیار را از من می‌ریاید، اگر نظر لطف نکنی عالمی معمور می‌گردد و اگر نظر قهر افکنم، عالمی ویران می‌شود. اولیاءالله مظهر صفات الهی هستند. باطن آنها مظهر معرفت و محبت الهی و ظاهرشان مظهر لطف و جمال الهی است. به ناچار هر که با نظر اعتقاد پاک و بصیرت در آنها نظر کند، همان نور و لطف الهی را مشاهده می‌کند که آثار آن در بطنی آنها هویدا است».

شیخ می‌فرمود: «در نَسَب ما سیادت است و در حَسَنی هستیم. ما مذهب اهل بیت پیامبر (صلوات الله علیهم) را داریم، که با رعایت نهایت تقوی و طهارت، به احتیاط و ریاضت کامل عمل می‌کردند. مذهب درویشان، مذهب حق است. مذهب بهائیان نیز مذهب صراط‌المستقیم بود. اولیاء مؤمن به آن راه رفتند و به قدر مویی از امر محمد مصطفی و علی مرتضی (علیهم السلام) خارج نشدند، ما نیز در پی آنان می‌رویم و از راه راست باز نمی‌گیریم. شاءالله به راهی می‌رویم که در روز محشر نزد نبی و وصی و اهل بیت آنها (علیهم السلام) شریک و شریک‌وار خواهیم شد. شیخ مذهب و مشرب حقه جعفری (ع) را داشت و کاملاً مطابق و موافق فرمایش آن حضرت عمل می‌نمود و می‌فرمود: «چون فردا که روز محشر است در باب اعمالم از من سؤال کنند دست راستی را در دامن حضرت علی مرتضی (علیه التحیه و الثناء) و آل مجتبیای او می‌زنم».

شیخ بر اساس «التَّحْقِیْقُ دِینی وَ دِینُ آبایی»<sup>۱</sup> تقیه می‌کرد و به مصداق «أَسْرَرْتُ دَهْرَکَ وَ دَهْرَکَکَ وَ مَدَهْرَکَ»<sup>۲</sup> در کتمان مذهب خود مبالغه می‌نمود، به حدی که جز مریدان یک‌رنگ و یک‌جهت،

۱. امام جعفر صادق (ع): تقیه و رازداری؛ دین من و دین پدران من است.

۲. امام جعفر صادق (ع): سه چیز را مخفی بدار: مقصدت را، داراییات را و دیدگاه‌هایت را.

کسی از تشیع شیخ اطلاع نداشت و بر حسب تقیه، عمل به احکام قریب به دستورالعمل حضرت جعفری (ع) را معمول می‌داشت. رواج مذهب تشیع امامیه توسط فرزندان شیخ، برهان قاطعی بر مذهب حقه جعفری (ع) شیخ است. شیخ در تمام عمر چنان بر متابعت شریعت قدم نهاد که به قول یا به فعل، سر مویی خلاف شریعت از او پدید نیامد. شیخ می‌فرمود: «رعایت ظاهر شریعت، واجب است».

شیخ از ابتدای کمال حال تا پایان عمر، در اعمال صراط‌طریقت و سجاده‌حقیقت، ثابت قدم بود. عبادت خود را هرگز ترک نکرد و در سلامتی و بیماری و جوانی و پیری از آن قواعد تخطی ننمود. هر روز پس از ادای نماز صبح تا طلوع آفتاب به ذکر می‌پرداخت. پس از طلوع آفتاب، در خانه در خلوت می‌نشست و تلاوت کلام‌الله حکیم مشغول می‌شد. سپس تا نماز ظهر در زاریه به تربیت و ارشاد خلق می‌پرداخت. کار مهمی در باره مصالح و شفاعت مسلمانان پیش می‌آمد، ترک غذا می‌کرد و به آنها مایه‌ها می‌شد. پس از اقامه نماز ظهر تا وقت نماز عصر نیز مجدداً به تربیت و دعوت خلق می‌پرداخت. شیخ بی‌بی فاطمه فرزند شیخ زاهد قدس‌الله روحه ازدواج کرد و چهار فرزند پسر به اسمی خواجه محی‌الدین محمد، شیخ صدرالدین موسی (خلیفه و قائم مقام شیخ قدس‌الله سره)، خواجه شرف‌الدین عیسی و خواجه ابوسعید و یک فرزند دختر داشت. شیخ چند روز قبل از رحلت به عالم باقی وصیت فرمود: «مرا بم تربیت و ارشاد سجاده در اطراف سرزمین اسلام به خواجه صدرالدین تفویض شد. محافظت از سفر، فقر و غنا و خدمت ضعیفاً باید استوار باشد و کسی از سنت انبیاء و دایره سیرت اولیاءالله تخطی ننماید. سید جمال‌الدین اصفهانی مسئولیت تجهیز را بر عهده بگیرد. اگر توانستید مرا در گورستان غریبان دفن کنید و اگر نتوانستید هر جا که ممکن شد دفن کنید».

دو روز از حیات ظاهری شیخ باقی مانده بود، دائماً به تلاوت کلام‌الله مشغول بود و چون نطق خود را از حجاب مستور به ظهور درمی‌آورد، می‌فرمود: «صَلُّوا عَلَیْهِ وَ سَلِّمُوا وَسَلِّمُوا عَلَیْهِ» (احزاب: ۵۶)<sup>۱</sup> کلام دیگری نفرمود و ختم کلامش همین بود. روز دوشنبه ۱۲ محرم سال ۷۳۵ ه. ق. / ۲۹ شهریور ۷۱۳

۱. صلوات و درود بر پیامبر (ص).

ه.ش. پس از نماز صبح با ورزش نسیم وصال، حجاب ظاهری بر پلک‌های چشمان مبارک کشید و دیده جان را به مشاهده جانان گشود. صبح روز سه‌شنبه ۱۳ محرم سال ۷۳۵ ه.ق. / ۳۰ شهریور ۷۱۳ ه.ش. پیکر مطهر شیخ قدس‌الله‌سره را در گلزاری از گلستان بهشت دفن کردند. در مقامی که چون شیخ در وقت می‌شد، به آنجا می‌رفت و سالکان واقعه‌های خویش را به محضر شیخ عرضه می‌داشتند. زمان بیماری و سلامت نیز آنجا استراحت می‌فرمود. همان مقام که زمانی شیخ در آنجا در وجد شد و فرمود: «از فیضی که نازل شد، به این مقام نیز نصیبی رسید». مزار مطهر خواجه محی‌الدین محمد روضه‌الغروه پایین مقبره متبرکه قرار دارد. مزار نزدیکان شیخ و چند تن از بزرگان مریدان شیخ نیز در این محوطه متبرک قرار دارد. بانوی مخدیره اسلام، بی‌بی فاطمه همسر شیخ (فرزند شیخ زاهد) نیز طایفه سیر صدفی شیخ هجده روز بعد به سرای آخرت رحلت فرمود.

پس از رحلت شیخ صفی‌الدین سیر صدفی، شیخ صدرالدین، سلطان خواجه علی سیاه‌پوش، شیخ ابراهیم مشهور به شیخ شاه، شهید شیخ حیدر و شهید سلطان حیدر در مقام شیخ و خلیفه طریقت صفویه به ارشاد و تربیت مریدان و اصحاب پرداخت و سرانجام سلطان اسماعیل مروج مذهب ائمه اثنی‌عشری (صلوات‌الله‌علیهم‌اجمعین) در سال ۹۰۰ ه.ق.، ۷۰ سال پس از رحلت شیخ قدس‌الله‌سره در سن چهارده سالگی به کمک مریدانی معتقد، پادشاه کشور به‌ناور ایران شد و سلسله خود را به نام جد خویش شیخ صفی‌الدین، «صفویه» نامید.

صفویه، نخستین سلسله کاملاً مستقل ایرانی - ملی پس از حمل اعراب به ایران در سال ۳۲ ه.ق. بودند. سلطان اسماعیل خطبه‌های بسیاری در مدح و منقبت ائمه معصومین و اهل‌بیت طاهرین (علیهم‌السلام اجمعین) ایراد نمود و پس از حدود هشتصد سال که مذهب بر حق شیعه اثنی‌عشری در خفا بود، آن را مذهب رسمی کشور اعلام نمود و به ترویج و تنفیذ قواعد آن پرداخت. خاندان صفویه مهم‌ترین سلسله در تاریخ ایران پس از اسلام بود که بنیان‌گذار آن موفق شد کشور را یک‌پارچه و متحد سازد و با اعلام تشیع به عنوان مذهب رسمی، بین مذهب و دولت رابطه‌ای وثیق و تنگاتنگ برقرار نماید.

مهوش السادات علوی